

۲۰۰۹/۱/۱

شامحمود مستمند

## قوانین عام بین المللی

و بی عدالتی فوق العاده جامعه جهانی

با تأسف شنیدیم که طی یک حمله انتہاری در خوست ۲۰ نفر غیر نظامی جان باختند در حالی که در مطبوعات رسمی رژیم درین حادثه هفت تن اطلاع داده شده و همچنان در سپین بولدک حمله کننده انتحاری نیز دو نفر را کشتند و عده ای زیاد را زخمی کردند، در چاریکار نیز چند تن کشته و عده زیاد زخم برداشتند و راکت بازی کابل نیز هفت تن کشتند و عده زیاد را زخمی کردند.

و این مطلب نیز مسلم است که انتہار کننده گان از ان طرف خط لعنتی دیورند تشریف آورده و در آن سوی دیورند در کمپ هائی در پاکستان تربیه و تسلیح شده و تا رسیدن به هدف ذریعه ماموران " محترم " (آی-اس-آی) بدرقه شده تا به هدف تعیین شده به سلامتی برسد.

رئیس جمهور کشور افغانستان مثل نطق قصر سفید با محکوم کردن اعمال مجرمین و صبر جمیل برای اقارب باز مانده گان تقاضا کردن است و بس؟

قوانین بین المللی حکم میکند که هرگاه از کدام نقطه ای در خارج از سرحد بر حریم کشور تجاوز صورت گیرد باید به هر وسیله ممکنه با آن مقابله صورت گیرد. بطور مثال:

در شرق میانه از طرف جنگجویان حماس بر سرزمین اسرائیل فیر راکت صورت گرفت و در ان فقط و باز هم فقط یک نفر اسرائیلی زنده گی "مقدس" اش را از دست داد و در مقابل ان دولت حقیقی اسرائیل با آغاز بمباردمان "جانانه" بیش از ۳۰۰ نفر فلسطینی "غیرمقدس" را نابود کردند، و تصمیم دارند تا با مارش ظفر آفرین قوای پیاده به حماس درس عبرت بدهند، و اینکه چند صد و یا هزار فلسطینی بی گناه و محکوم به مرگ تدریجی در ان کشته میشود هنوز معلوم نیست.

در شرق میانه براعظم اسیا قوانین بین المللی در عمل پیاده میشود ولی در وسط همین اسیای بزرگ این قوانین در عمل پیاده نمی شود چرا؟

یکی از دلایل اساسی شاید این باشد که در کشور جنگ زده ما اصلاً رژیمی که از ملت نمایندگی بکند نیست ، بلکه رژیمی که برای بقای تنظیم ها، گروپها ، فامیل ها و یا هم برای حفظ منافع انحصارات ماورای بین المللی مصروف خدمت در دولت هستند، میباشند.

زیرا اگر این رژیم مدافع منافع علیای ملی و مردمی می بود طبعاً علیه مداخلاتی که از انسوی سرحد صورت میگرفت قد علم میکرد و اگر خود شان شوق و علاقه مقابله با پنجابی ها ( بخاطر پاس برادری دوره جهاد) نداشتند مردم جنگ زده ما همان طوریکه تاریخ این مطلب را ثابت ساخته که هرگاه دوستان امروزی ما "انگلسها" بر خاک مقدس ما تجاوز میکرد، امیران بی ایمان می گرختند ولی مردم بودند که آنان را با شکست مرگبار با روی سپاه از کشور خارج میکردند، نه آمران جاه طلب و خود خواه.

شاید این سوال مطرح شود که ما خانه خود را در مقابل تجاوز از پاکستان محافظه کرده نمی توانیم و یک دیوانه یافت شده که مارا بطرف برادران پاکستانی تیله میکند و مارا به جنگ وادار میکند.

حیقت این است تا این جنگ مطابق قوانین بین المللی پیش برده نشود موفق نیز نمی شود زیرا که تا اب در یا در منبع ان خشک نشود دریای خروشان را نمی توان خشک کرد!

مطلب عمده این نیز هست که ما با جنگ ظالمانه که با ما تحمیل شده باید مقابله بکنیم این حق طبعی ماست . اما اینکه این جنگ عادلانه را باید کی پیش ببرد و کی رهنمائی بکند، این مسئولیت دولت است چه دولت نام نهاد اینجو های استخباراتی باشد و چه دولت حقیقی ملی و مردمی.

این سوال نیز قابل طرح است که ما اردوی دشمن شکن نداریم و پاکستان نه تنها اردوی ملیونی بلکه سلاح اتومی را نیز دارا بوده پس جنگ با اردوی ملیونی نیز ممکن نیست؟

در حالیکه جنگ کلاسیک و معاصر با مورال تعلق دارد نه به کمیت اردو و انواع سلاح و مهمات ان مثلاً اردوی چند هزار مرد جنگی احمد شاه بابا در مقابل سپاه ملیونی مراته به پیروزی نایل گردید و یا هم اردوی صد هزاری سکندر کبیر بر اردوی ملیونی داریوش کبیر غلبه کرد.

امروز در مجموع اروپایان بر فتوحات سکندر کبیر افتخار میکنند، و ایرانیان نیز داریوش شکست خورده را کبیر خطاب میکنند ، در حالیکه در کشور عقب مانده ما بعضی انسانهای بی کلتور احمد شاه بابا را دزد و غارتگر و غازی امان الله خان را بیشرمانه " دیوس" خطاب میکنند.

در حالیکه دزدان معاصر شان نه تنها کشور را بارها غارت کردند بلکه جامعه بین المللی را نیز تا بینی رسانیده و امروز کشور ما برای جامعه جهانی مثل " دم گرگ" شده که نه ادامه داده میتوانند بخاطر چور و چپاول ، سو استفاده و اختلاس و نه انرا رها کرده میتواند بخاطر آنکه مثل سابق باز مرکز القاعده و طالبان نشود. و شیر مرد تاریخ غازی امان الله خان با شمشیر برهنه و برنده توانست تا استقلال کشور را از بزرگترین استعمارگر جهان بدست آورد و سر انجام بخاطر جلوگیری از خونریزی هجرت را بر تخت پادشاهی ترجیح داد و متباقی عمر خویش را در جدایی از مادر وطن سپری کرد.

اما شیران ساختگی انها ابتدا پلان صلح ملل متحد را یکجا با یاران ستمی شان که از کاسه ماسکو- تهران تغذیه می شدند نابود کرد ، جنگ فرمایشی بادران را بر کشور تحمیل کرد، درین مدت کشور را پاک چور و چپاول کرد، این همه چیز بخاطر نام، نشان، عظمت و جاه و جلال.

سرانجام از چند هزار طالب پای لوچ و چند صد پنجابی به مغاره پناهنده شدند و بالاخره استقلال که حاصل شمشیر همان غازی مشهور بود دوباره به همان دشمن مردم تحویل داده شد و کشور از ادگان را به بردگان مبدل کرد.

### که خوک تله د انصاف په لاس کی درکړي خیل تټو او د بل اس به برابر کړی

و یا هم مثال بنگالی های پا برهنه و شکم گرسنه که با چوب و سنگ بیش از صد هزار اردوی پنجابیان وحشی را با وجود کمک های سخاوتمندانه انگلیس به زانو در آورد و ان سرزمین شجاعان امروز ازاد و آرام است و از غلامی پنجاب نجات یافت.

و یا اینکه امروز در عمل دیده می شود که ناتو جمع تنظیم های پانزده گانه و در مجموع بیش از ۴۰ کشور با رژیم بیکیفایت جهادیان کمک میکند ولی تنها در مقابل ان مثلث پاکستان القاعده با طالبان دست بدست هم داده و رژیم جهادی را تا استانه سقوط مرگبار رسانیده است.

اما تاریخ زنده شاهد انست که بعد از خروج قوای اشغالگر روس کشور ما عملاً با ۱۲۰ کشور جهان به شمول کودتای دوستان دیروز (روسها) جمع تنظیمهای هفت گانه در پشاور و هشت گانه در تهران جمع کودتای خونین وزیر دفاع وقت آقای تنی و رفیق همرزم و همسنگرشان حکمتیار، مستقیماً در جنگ بود ولی چون اردوی ملی ، میهن دوست و مدافع منافع ملی بود ازین ازمون زمانه پیروز مندانه برآمد و از وجب وجب خاک مقدس بیباکانه و دلیرانه دفاع کرد.

اما ای اردوی امروز ما ملی است و یا اجیر؟

ای زمامداران کشور ما وطن دوست و ملی هستند و یا مهمانان کرای؟

ای کشور ما مستقل است و یا تحت الحمایه؟

اگر مستقل نیست و تحت الحمایه ناتو است در انصورت نیز ناتو خودش که تیکه دار صلح و امنیت جهان است و مدعی بر قرار ساختن دموکراسی غربی است باید علیه تجاوز از خارج مقابله بکند، و یا برعکس ان؟ آنانرا نه تنها اکمال و تشویق میکند بلکه به گفته منابع معتبر، گفته میشود که انها طالبان و القاعده را نیز تحت قومانده همان یاران سابق مقامات آی-اس-آی قرار داده و به فعالیت شان افزوده تا این منطقه را به اتشی خاموش ناشدنی بکشد تا انها به اهداف ستراتیژیک دراز مدت در قلب اسیا دسترسی یابد.

امریکا و ناتو غرض سرکوبی القاعده و طالبان به افغانستان تشریف آوردند. اما امروز مرکز القاعده و طالبان در پاکستان است پس اصولاً باید آنان خاک افغان را ترک و القاعده و طالبان را در خاک پاکستان تعقیب نمایند .

زیرا که پاکستان در هفت سال گذشته هیچ نوع عمل که منجر به نابودی تروریستان شود انجام نداده، بلکه بر عکس آنانرا تا سرحد آغاز جنگ هستوی " اسلامی " تشویق، ترغیب، تربیه، تسلیح و آماده جنگ هستوی " اسلامی " کرده ، بعد از پیروزی بر کفار این خاک " پاک " پاکستان مرکز خلافت اسلامی خواهد بود. و یا اینکه انها برای آی-اس-آی هدایت میدهند تا گروپ های خورد و کوچک تان هسته و مطمئن به افغانستان انتقال و ما درین خاک به عملیات ادامه خواهیم داد تا اینکه نه سیخ (القاعده) بسوزد و نه پنجاب.

ضرب المثل معروف است که:

یا سگهای تان را بسته کنید ، و یا سنگهای ما را ازاد سازید.

امریکا اگر شهامت انرا ندارد تا در خاک " پاک " پاکستان داخل شود تا القاعده و طالبان را تعقیب بکند پس بفرمایند از کشور ما خارج شوند.

اینجا افغانها در نتیجه تفاهم ملی به کمک سازمان ملل متحد، منفی عناصر خود خواه، جاه طلب و فروخته شده ضد ملی که پلان صلح ملل متحد را نابود ساخت، به نتیجه خواهند رسید. آمدن ناتو منحنیت نجاتگران کشور از شر القاعده و طالبان و ادامه دهندگان مرحله دوم و تکاملی انقلاب ثور (جهادی) و پیام اوران صلح و عدالت یکجا با دموکراسی و ترقی تبلیغ میشود، درحالیکه در عمل چنین نیست.

امروز طوریکه معلوم میشود که آنها غرض عملی کردن ارمانهای بزرگ سوپر پاور غربی و شرقی که درین سرزمین مشیت پولادین با شکست مرگبار مواجه شدند و میخواستند تا این مشیت اهنین طبیعت را خورد و خمیر بکنند ولی با ارمانهای سیاه شان نرسیدند و امروز نوبت سومی اش است تا اگر بتواند این مشیت طبیعت را نابود کند! اگر امریکا غرض نابودی القاعده و طالبان آمده باشد، در انصورت رهبران هر دوی شان تحت محافظت آی اس آی "محترم" زندگی میکنند و افراد شان نیز از طرف این اداره حرفوی در کمپهای مخصوص زندگی می کنند، تربیه، تسلیح و غرض عملیات خاص توسط افراد ان اداره تا هدف رسانیده میشوند. ناتو اصولاً باید عملیات شانرا در کشوریکه نام و سرزمین ان افغانستان نیست به عملیات خود در انجا که نام ان: پاکستان است

اکمالات که ناتو از طریق پاکستان میکند و در اطراف پشاور نابود میشود ازین معضله نیز نجات خواهند یافت. موفقیت بزرگ را برای ناتو و یاران شان غرض نابودی القاعده و طالبان از دربار خداوند ارزو میکنم. امریکا در اروپا با زمامدار جنگجو یوگوسلاویا قاطعانه مقابله کرد تا ان رهبر سرسخت مجبور گردید قوای شانرا از سایر نقاط یوگوسلاویای بزرگ خارج سازند و باعث استقلال کشورهای مستقل بر اساس سرحدات طبیعی و تاریخی قبلی ان گردید، ناتو درین منطقه حتی به چنان ماجرا جویی دست یازید که درین اواخر ولسوالی کوسوو را نیز منحنیت یک کشور مستقل اعلام کرد، در حالیکه انها حتی اداره مملکت را نمی دانند. اما در اسیا مرغ امریکا فقط یک لنگ دارد و ان هم لنگ کج و بی ایمان، جنگجو، لوج و عظمت طلب گدایی گر، بدون رعایت اصول و مقررات بین المللی و اخلاق عالی انسانی!

**و یا اینکه ناتو و جامعه متمدن و سازمان ملل متحد در تطبیق قوانین بین المللی بشکل خاص و در موارد حسب دلخوا اجازه میدهند تا مورد تطبیق قرار گیرد، و در دیگر مناطق بخصوص در آسیای مرکزی قابل تطبیق نمی باشد؟**

بخاطر کمک پاکستان که منحنیت گوساله طلانی مورد استفاده ناتو قرار گرفت تا از روسها انتقام ویتنام را بگیرد و امروز اگر از قوانین بین المللی تخطی هم بکنند، هم تخنیک سلاح هستوی را تکثیر بکنند هم به شکل علنی در امور داخلی هند مداخله تا سر حد تروریزم دولتی پیش برود و هم افغانستان منحنیت منطقه منافع حیاتی شان باید و مطلقاً تحت فرمان پنجاب مثل زمان جهادیان و طالبان باشد و اگر اکت استقلال بکنند باید به روز تجلیل جشن انقلاب نام نهاد اسلامی برایش گوش تاوی داده شود، باید از ان چشم پوشی بکنند تا یاران دیروز شان از رده نشود؟ ویا چطور؟ امریکا در همین شرق میانه اول عراق را بخاطر انتقام از اخوند های ایرانی مورد حمایه و تشویق قرار گرفت و تا سرحد تحویل سلاح های کشتار جمعی و کیمیاوی به ان کمک سخاوتمندانه "انسانی" کرد، اما به مجرد که ضرورت انتقام از اخوند ها مرفوع گردید دیگر همان صدام مشهور نه یار و آشنا بود و نه هم حفظ ان منحنیت ضرورت منافع حیاتی، بلکه منحنیت ضد منافع ملی و نابودی ان حتمی گردید و ذریعه مدرنترین سلاح قرن از پا درآورده شد و سر انجام یار جانانی را تا حلقه تاریخی اعدام جانانه یاری کرد!

درحالیکه صدام نه سلاح هستوی "اسلامی" داشت، نه با القاعده ارتباط و همکاری داشت و نه در امور داخلی دیگر کشور های عرب مداخله داشت، به استثنای اشغال کویت که انرا جز خاک شان محسوب میکرد.

اما درین بخش کره زمین مثلیکه اسمان ابرآلود است و باید سلاحهای تولید شده عصری بر سر انانی از مایش شود که ارمانهای تاریخی انتقام جویان تاریخ زده انگلیسی بر آورده شود و بعوض انکه پاکستان غیر طبیعی و نوزاد بی تنبان، لانه القاعده و طالبان و دانه سرطانی منطقه و جهان را به اجزای طبیعی ان تجزیه بکنند (مثل تجزیه سوپر پاور شکست خورده دیروز اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یوگوسلاویای بزرگ که در نتیجه عملیات ناتو توتته توتته شد)، شاید هنوز هم قلب سیاه انگلیس سفید با این همه خونریزی سی ساله راضی نباشد و باید این خونریزی تا رسیدن به ارمان کلاسیک سرحد "علمی" شان ادامه دهند.

اينکه اين ارمان شکست خورده شان اينبار عملی خواهد شد يانه مربوط است به بازیگران اين بازی بزرگ و به مهره های شطرنج که مثل ديروز اله دست بيگانگان میشوند و يا حلقه دار را با افتخار جاويدانه بخاطر ميهن و مردم جنگ زده شان قبول خواهد کرد.

په دار کی رانه خله د وفا امتحان اخلی  
ائتلافو (۱) او تنظیمو ته د وفا واکسین واخلی

۱- ائتلاف شمال ۱۹۹۲ که متشکل از پرچمداران سپاه و جهادیان سرخ که در نتیجه فعالیت مشترک آنها پلان صلح ملل متحد نابود و اردوی دشمن شکن یکجا با حاکمیت ملی نابود گشت، و ائتلاف بین المللی امروز که نه دفاع ان معلوم است ونه دشمن ان؟

پایان